



دموکراسی به سبک روسی، دموکرات بودن به شیوه پوتین

در هر کجای روسیه که باشید، می‌توانید آثار دمکراسی را که پس از فروپاشی شوروی در یک دهه گذشته به روسیه بازگشته است، مشاهده کنید و یا از کمبودهای آن دچار دلسردی شوید و یا هر دو. در مقایسه با ضوابط حکومت شوروی، روسیه امروز به صورتی غیرقابل قیاس با گذشته آزادتر است ولی در مقایسه با استانداردهای دمکراسی‌های غربی، دلایلی برای نگرانی وجود دارد. نگرانی‌هایی که هر روز به جای کاهش، افزایش می‌یابند.

پس از هفتاد سال حاکمیت تک‌حزبی، انزوا، سرخوردگی و کشتارهای دسته جمعی، روسیه امروز دیگر به وسیله ایدئولوژی کمونیسم اداره نمی‌شود، بلکه رهبران آن مدعی دمکراسی هستند. در مقایسه با دوران حاکمیت شوروی، اکثریت مردم روسیه در انتخاب محل کار و سکونت، مسافرت به خارج، معاشرت با خارجیان، قصد ثروتمند شدن بدون ترس از مجازات، انتخاب شغل، تشکیل احزاب سیاسی و شکایت فردی یا جمعی از مشکلات بی‌شمار جامعه، از آزادی برخوردارند. آنها حتی می‌توانند فرزندان خود را به مدارس خصوصی بفرستند. این آزادی‌ها برای کسانی که با کنترل‌های مخوف گذشته آشنائی دارند، موهبتی است عظیم.

با این همه، دورنماهای تاریخی و تحولات امروز قادر نیست بسیاری از سئوالات را پاسخگو

باشد. امروز بر دمکراسی روسیه چه می‌گذرد؟ آیا جریان‌های حاکم بر آن تهدیدهایی است بیمارگونه بر رسانه‌ها، انتخابات نوپا، خدمات امنیتی مستحکم، آزار مخالفان، نفرت از بیگانگان و تبعیض نژادی؟ و یا جریان‌هایی است زودگذر و پدیده‌هایی نوین، زشت و خطرناک؟

با نگاهی بر نحوه برگزاری انتخابات می‌بینیم که انتخابات در روسیه آزاد است، چندین حزب در آن شرکت می‌کنند و به سختی می‌توان قضاوت کرد که پیروزی ولادیمیر پوتین در انتخابات گذشته مورد حمایت اکثریت مردم روسیه نبوده و با رأی آنان تحقق نیافته است.

منتقدان پوتین می‌گویند وی نامزدی و پیروزی خود را مدیون سلف خود یلتسین است که او را به مردم معرفی کرد، اما این که نمی‌تواند دلیلی بر دخالت غیرقانونی در انتخابات باشد. جان میجر نخست‌وزیر پیشین بریتانیا و ال‌گور نامزد ریاست جمهوری آمریکا در انتخابات گذشته نیز از سوی اسلاف خود خانم تاجرو بیل کلینتون معرفی شده بودند. اما آنچه که نگران‌کننده است استفاده بیش از اندازه کارگزاران و مسئولان تبلیغاتی پوتین از رسانه‌های تحت کنترل دولت و

به ویژه تلویزیون دولتی روسیه بود. در انتخابات محلی نیز کرملین از دادگاه‌ها و پلیس مالیاتی، توأم با باج‌خواهی از مخالفان پوتین استفاده فراوان کرد که موجب شد بسیاری از نامزدهای محلی که شانس موفقیت داشتند، فرصت‌های خود را از دست بدهند و کنار روند. در این میان، جنگ چچن نیز پوتین را در موفقیت یاری داد. بعضی از روزنامه‌نگاران و سیاستمداران روسیه نسبت به دست داشتن مقامات روسی در بمب‌گذاری‌های پائین ۱۹۹۹ سوءظن داشتند و وقتی مشاهده می‌کردند این بمب‌گذاری‌ها تا چه اندازه در موفقیت پوتین در انتخابات مؤثر بود، بر سوءظنشان افزوده می‌شد. کارگزاران پوتین در زمانی که او تازه به نخست‌وزیری روسیه انتخاب شده بود و چشم به کرملین داشت، عنوان می‌کردند که جنگ پوتین علیه اسلامگرایان افراطی چچن جنگی است علیه تروریسم بین‌المللی و روسیه حق دارد برای دفاع از کشور با آن مقابله کند. چنین شعارهایی خیلی سریع افکار عمومی روسیه را به خود جلب کرد و محبوبیتی غیرمنتظره برای پوتین به ارمغان آورد. روزنامه مسکو تایم، نشریه انگلیسی‌زبان چاپ مسکو، اخیراً در مقاله‌ای درباره تقلب‌هایی

صحبت با خبرنگاران شما نمی شوند. مقامات قضائی با شما درمی افتند و مسائل مالیاتی، بهداشتی و ایمنی محل کار شما را زیر سؤال می برند. ممکن است با ایجاد یک رسوائی ساختگی از شما تقاضای خسارات هنگفت کنند که شانس تیره شما در آن بسیار کم است. به هر نحو شده از توزیع روزنامه شما و دریافت آگهی برای روزنامه تان جلوگیری می کنند.

در سطح ملی، کرملین معمولاً نوشته های روزنامه ها و مجلات را آنکه معمولاً چندده هزار برای کشوری ۱۴۰ میلیونی بیشتر تیراژ ندارند؛ به دیده اغماص می نگرد. اما از کانال های ملی تلویزیون که میلیون ها بیننده دارند دل خوشی ندارد. دو تن از مدیران برجسته و موفق این کانالها به نامهای «بوریس برژوسکی» و «ولادیمیر گوزنیسکی» در حال حاضر به اتهام کلاهبرداری در تبعید بسر می برند. سایر مدیران با سوابق نه پاکتر، ولی با داشتن رابطه ای بهتر با کرملین، از قدرت مانوری اندک برخوردارند.

با استحکام اقتدار پوتین بر مسند خود، کنترل های بیشتر بر رسانه های گروهی روسیه

بدون برخورد با هیچ مانعی به پارلمان کشیده شود و از سوی مقامات قضائی کشور به منظور برخورد عملی با این رسوائی مورد تعقیب قرار گیرد، به قضاوت عموم گذاشته شود و موجب شود قانونی ملغی و یا قانونی جدید وضع شود. در روسیه، این نهادها، گروهها و راهکارها بسیار ضعیف هستند. گاه سگها پارس می کنند ولی بندرت گاز می گیرند. نتیجه آن می شود که حقوق انسانها به راحتی مورد تجاوز قرار گیرد. روسیه، روی کاغذ به همه اصول و عرف بین المللی پای بند است، ولی در عمل، داستان چیز دیگری است.

ظاهراً رسانه ها در روسیه، همگی آزادند. برخورداری از یک سایت اینترنت و یا انتشار یک روزنامه مشکل نیست، چیزی که ده سال پیش به خاطر کسی خطور نمی کرد. اما شما هرچه مؤثرتر از مقامات انتقاد کنید زندگی بر شما مشکل تر می شود. در ایالات رقیبان شما به راحتی از دولت یارانه می گیرند، این یارانه ها یا بصورت کاغذ روزنامه ارزان و تجهیزات است، یا بصورت پرداخت های مستقیم. مقامات رسمی حاضر به

در انتخابات ماه مارس گذشته روسیه افشاکری کرد و نوشت که در صورتی که چنین تقلب هایی صورت نمی گرفت احتمال داشت آقای پوتین از رقیب کمونیست خود شکست بخورد. مقامات رسمی روسیه هیچ عکس المعلى نسبت به این مقاله نشان ندادند و آن را بی پاسخ گذاشتند و سایر رسانه ها نیز از کنار آن گذشتند. عده کمی از روسها نیز که از این ماجرا آگاه شدند بی اعتنا شانه های خود را بالا انداختند. هیچ مقام رسمی درباره جزئیات این تقلب توضیحی نداد، مقامات قانونی روسیه نیز برخلاف توجهی که دادگاههای فلوریادا در مورد احتمال بروز تقلب در انتخابات اخیر آمریکا نشان دادند، تمایلی به تعقیب قضیه از خود بروز ندادند.

دمکراسی تنها به انتخابات محدود نمی شود. دمکراسی مقوله ای است در توصیف درستی ها و نادرستی ها. در یک سیستم سالم، سیاستمداران، دادگاهها، روزنامه نگاران، مقامات مستقل و اتحادیه های بازرگانی از اقتدار، حق قضاوت و دخالت در امور برخوردارند. یک رسوائی که از سوی یک روزنامه افشاکری می شود می تواند

**در هر نقطه ای از ایران و جهان
می توانید خلاصه ای از مجله گزارش
را قبل از چاپ بر روی سایت اختصاصی
WWW.GOZARESH.COM
ببینید**

در شرف شکل گرفتن است. دولت در حال بررسی لایحه‌ای است که براساس آن فعالیت رسانه‌های خارجی نظیر خبرگزاری رویتر و رادیو آزادی که از سوی دولت آمریکا تأمین مالی می‌شود محدود شود. کارکنان این مؤسسات از هم‌اکنون در جستجو مشاغل دیگر هستند.

انگیزه‌های مقامات روس از چنین اعمالی ترکیبی است از عوامل مختلف. آنها می‌گویند چنین اقداماتی موقتی و مورد نیاز جامعه است. استدلال دیگر این است که این اقدامات برای امنیت روسیه حیاتی است. از یک منتقد، چهره یک خرابکار ترسیم می‌شود و کسانی که دوستان خارجی دارند به جاسوسی متهم می‌شوند. در دوره ریاست جمهوری یلتسین ارتباط روسها با خارجی‌ها به عنوان یک نکته منفی در سیاست‌های شوروی سابق معمولاً نادیده گرفته می‌شد، ولی در دوران پوتین این طرز تفکر در حال بازگشت است.

پوتین که ریاست اف.بی.اس (کا-گ-ب سابق) را به عهده داشته است و یک جاسوس حرفه‌ای است گروه‌های سبز و طرفدار محیط زیست را متهم به مأمور اطلاعاتی غرب بودن می‌کند. او بارها علناً از ارتباط روسها با خارجی‌ها اظهار نگرانی کرده است. به طوری که در حال حاضر تحقیقات علمی خارجی‌ها در روسیه یا عملیات بازرگانی به وسیله خارجی‌ها، مشاغلی خطرناک به شمار می‌رود و کسانی که در این مشاغل فعالند هر آن در معرض متهم شدن به جاسوسی هستند.

تمام مشکلات روسیه در زمینه حقوق بشر و دمکراسی از وضعیت قوای سه‌گانه ناشی می‌شود. هیچ یک از این سه قوه، آن‌طور که باید نه کارآئی دارند و نه به وظایف خود عمل می‌کنند. پارلمان قوانین را با عجله و بدون بررسی کافی به تصویب می‌رساند. پس از آنکه قانونی از تصویب گذشت؛ پارلمان نه قدرت آن را دارد که اجرای آن را به مقامات رسمی توصیه کند و نه تمایلی به این توصیه‌ها از خود نشان می‌دهد. مقامات رسمی کشور حقوق بشر را زیرپا می‌گذارند یا به میل خود و یا به توصیه و دستور مقامات بالاتر، حرکات و اعمال این مقامات در نهایت کندی صورت می‌گیرد.

و در آن از سازمان‌دهی و اصول تشکیلاتی خبری نیست. دادگاهها در اجرای نقش خود به عنوان تضمین‌کننده آزادیها و نظم تقریباً همیشه ناکامند. اعضای پارلمان معمولاً از خود اختیاری ندارند و آنگونه به لویح مطرحه رأی می‌دهند که به آنها گفته شده است (یادریقیال دادن رأی وجهی دریافت کرده باشند) و در ارائه نظر و رأی خود به هیچ عنوان خواسته‌های مردم حوزه انتخابیه خود را در نظر نمی‌گیرند. شاید در میان کشورهای کمونیست پیشین تنها آن دسته که قبل از ۱۹۴۵ دارای قوانین دمکراتیک و دمکراسی پارلمانی بودند در اجرای اصول واقعی دمکراسی موفق هستند، ولی بوروکراسی غیردمکراتیک روسیه در جامعه این کشور بسیار جا افتاده است و ریشه‌هایی عمیق در سرتاسر کشور دارد. نه صداقت و کارآئی پادشاه دارد و نه تنبلی و پشت هم اندازی مجازاتی.

قضات آموزشی اندک دیده‌اند، حقوق اندکی دریافت می‌کنند و دائماً زیر فشار عوامل خارج از اختیار ایشان قرار دارند. تقریباً همه متهمان در

دادگاهها محکوم می‌شوند و از تبرئه خبری نیست. از ۸۹ منطقه قضائی تنها نه منطقه هیأت منصفه دارند. نه تنها تقریباً هیچ نشانه‌ای از تغییر در این اوضاع دیده نمی‌شود بلکه با استحکام موقعیت دولت در یک سال گذشته، اوضاع بدتر هم شده است. «لورمیلا الکسی یوا» که یک سازمان حقوق بشر در مسکو را رهبری می‌کند می‌گوید: «ما به دولتی نیرومندتر نیاز داریم که بتواند بوروکراتها را وادار به اطاعت از قانون کند درحالی که آقای پوتین نیرومندتر بودن را در یک بوروکراسی توانمند می‌بیند».

برای چنین اوضاعی نباید تنها حکام روسیه را سرزنش کرد. رفتار و طرز تلقی مردم نیز به ادامه این بوروکراسی کمک می‌کند. تقریباً اکثر مردم روسیه می‌دانند قوانین حاکم بر زندگی آنها قوانین کارآ و مناسبی نیست ولی هیچ کس برای تغییر آنها کوششی نمی‌کند. از این گذشته، راهی قانونی برای مقابله با این قوانین نمی‌شناسد و بنابراین کمتر کسی تمایل به اجرای قوانین دارد. خانم «الکسی یوا» می‌گوید: «ما سنت زیستن با قوانین را نداریم، مردم در مقابله با

مشکلات راهبانی نظیر ارتشا، ارتباطات شخصی و یا زور را انتخاب می‌کنند.» پس از چندین دهه زیستن در شرایط خردکامگی و حکومت متمرکز کمونیستی ساده لوحانه است اگر تصور شود در مدتی کوتاه جامعه روسیه می‌تواند به جامعه‌ای با استحکام مدنی تبدیل شود. باین حال، بسیاری کشورها هستند که روشی خصمانه نسبت به خارجی‌ها، اقلیت‌های قومی و مذهبی و مخالفان سیاسی دارند ولی از حکومتی تثبیت شده و دولت‌هایی توانا برخوردارند که سعی می‌کنند هر سال آزادی‌های بیشتری برای ملت خود تأمین کنند و مسئولیت‌های بین‌المللی بیشتری را به عهده گیرند. روسها نیز چنین آرزویی دارند. شاید آقای پوتین هم در همین رویاست.

مأخذ: مجله اکونومیست، ۲۵ نوامبر ۲۰۰۰
برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

ایران الکترونیک

IRAN ELECTRONIC

واردات و توزیع انواع قطعات الکترونیک

از قبیل انواع نیمه هادی، فیبر روکش مسدار، کانکتور،

کابل کامپیوتر، میکرو موتور، بلندگو، هسته فریت، قلع

باتری خشک (سیلد لید اسید) و ...

قطعات اختصاصی طبق سفارش مشتری

بازرگانی امیری (صادرات - واردات)

تهران، خیابان مطهری، بعد از خیابان مفتح، خیابان مهرداد، شماره ۱۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۹۵۱۳-۸۸۳۹۹۸۱

فاکس: ۰۲۱-۸۸۳۹۹۸۱-۸۴۰۷۶۳۴

E-MAIL: hasouri@yahoo.com